

گوشه ای ناشناخته از دوران فتحعلی شاه قاجار*

بر حسب تصادف چند دفتر کیمیا از مجلد دوم گنجینه شرق (Fundgrube des Oriens) که در سال ۱۸۱۸ میلادی در وین پایتخت اتریش چاپ شده است به دستم رسید، که در دفتر دوم از مجلد ششم آن مطالب زیر چاپ شده است: نامه سفیر ایران به پرنس

* در این مقاله، از نظر ادبی و سیاسی، به اظهار نظر محققان و آگاهان تاریخ و ادب ایران در دوران قاجار به

نیازمندیم.

۱- چون دیوان فتحعلی خان صبا در کتابخانه های واشنگتن موجود نبود از آقای حمید حمید تقاضا شد لطفاً به دیوان شاعر در کتابخانه دانشگاه یوتا مراجعه نمایند و صورت صحیح اشعاری را که در این مقاله آمده است، مرقوم دارند. پاسخ این بود که این اشعار در دیوان فتحعلی خان صبا نیست. آیا این بیتها در کتابی دیگر آمده است که ما را در تصحیح متن یاری کند؟ ۲- متن فارسی نامه ها به شعر دیوانی دوران فتحعلی شاه قاجار شباهت ندارد. به علاوه در چند مورد هم کلماتی نادرست در آنها به چشم می خورد. آیا در بایگانی وزارت امور خارجه ایران اصل این استاد موجود است؟ ۳- مهتر از همه نامه ای است که سفیر ایران - میرزا ابوالحسن خان ایلچی بزرگ - «از جانب بانوی حریم اعلیحضرت شاهنشاه جم جاه ایران به جهت بانوی اعلیحضرت امپراطور اعظم [نسه]» تقدیم داشت و پرنس مترنیخ به نیابت امپراطور رس نمسه نیز به آن پاسخ داده است.

کدام بانوی حریم فتحعلی شاه نامه را فرستاده است؟ تا آن جا که می دانیم ظاهراً خاقان مغفور بیش از یک زن داشته است! به علاوه در آن دوران مرسوم نبوده است که حتی «سوگلی» خاقان بن خاقان در چنین اموری به طور رسمی دخالت کند. از دخالتهای ایران بر باد ده مهد علیا مادر ناصرالدین شاه قاجار بگذریم که همه به طور «غیررسمی» انجام شده است. آیا این نامه را ایلچی بزرگ جعل کرده است تا به فرنگیان بگوید که ما چیزی از شما کم نداریم؛ شما امپراطور دارید، ما اعلیحضرت داریم، شما امپراطور دارید، ما هم بانوی حریم اعلیحضرت داریم؟

موضوع را با چند تن از آگاهان و صاحبان فاضل وزارت امور خارجه ایران در رژیم پیشین نیز در میان گذاشتم. پاسخ ایشان این بود که برای اولین بار است که چنین موضوعی را می شنویم. خوشبختانه در هنگام حروفچینی و غلط گیری مطبعی این مقاله، استاد ایرج افشار در امریکا بودند، موضوع را تلفظی با ایشان در میان نهادم. معلوم شد چندین سال پیش نیز ایشان همین مطلب را، از نظر اهمیت، در مجله آینده چاپ کرده اند.

مترنیک برای باریابی به حضور امپراطور و معرفی جانشین خود، و پاسخ مترنیک؛ سخنان سفیر ایران هنگام باریابی به حضور امپراطور، و پاسخ مترنیک به نیابت امپراطور به سفیر ایران؛ سخنان سفیر ایران در برابر امپراطریس، و پاسخ مترنیک به نیابت امپراطریس؛ دو شعر از فتحعلی خان [صبا] شاعر دربار فتحعلی شاه قاجار؛ دو غزل از برادرزاده و منشی سفیر ایران متخلص به پرتو در وصف دو بانوی اتریشی؛ و شرحی که سفیر ایران به عنوان یادگار در دفتر انجمن سلطنتی شرقی اتریش نگاشته است.

دریغ دانستم که آنها را برای مجله ایران شناسی نفرستم، به گمان این که شاید این دخترها از دیده تیزبین ایرانیان پژوهشگر پنهان بوده است. پس اکنون که فرصت دست داده است نباید آنها را به بهانه این که اهمیت چندانی ندارند به دست فراموشی سپرد. این نامه ها و اشعار اگرچه از دید نکته بینان هوشیار، سست و یا نارسا جلوه می کنند، باز به گوشه ای از تاریخ کشورمان تعلق دارند که آگاهی بر آنها، نه تنها بیفایده نیست بلکه روشنگر گوشه دیگری از تاریخ روابط سیاسی ایران با یکی از کشورهای اروپایی است. ضمن طرز نگارش زبان فارسی آن زمان شاید برای پژوهشگران ادب فارسی نیز مفید باشد. البته ترجمه نامه ها از زبان آلمانی به فارسی و به عکس کاملاً دقیق نیستند. ولی برای رعایت امانت، آنها را بی تغییر و تصرف همان طور که در دفتر دوم مجلد ششم گنجینه شرق چاپ شده است، در این جا نقل می کنم.

مکاتبات سفیر ایران، میرزا ابوالحسن خان، با پرنس مترنیک* صدراعظم اتریش برای

باریابی به حضور امپراطور و امپراطریس
نامه سفیر به پرنس مترنیک

غرض از آمدن این خیرخواه به دولت نمسه** این بود که این خیرخواه از طرف قرین الشرف اعلیحضرت شاه فلک بارگاه خورشید اشتباه صاحب تاج و تخت کیان و دارای ایران و توران مأمور هستم که به دولت اعلیحضرت امپراطور اعظم نمسا آمده قرار دوستی و

* کلنس لوت مترنیک Klemens Loth Metternich (۱۷۷۳-۱۸۵۹) از سال ۱۸۰۱ تا ۱۸۰۹ سفیر اتریش

در شهرهای درسدن و برلین و پاریس، و سپس وزیر امور خارجه و بعد صدراعظم اتریش بود. وی کسی است که با ناپلئون بناپارت به مقابله پرداخت و کنگره صلح وین را برپا ساخت و اتحاد آلمان و اتریش را امکان پذیر کرد. مترنیک طرفدار پادشاهی و اعمال قدرت برای اتحاد و یکپارچگی اروپا در برابر ملیون و آزادخواهان بود و در سالهای ۱۸۱۵-۱۸۳۰ در برابر ملیون و مشروطه خواهان در آلمان اقدامات سرکوب گرانه ای به عمل آورد تا این که در سال ۱۸۴۸ به دنبال انقلاب تاجار از کناره گیری گردید.

** نمسه یا نمسا، کشور اتریش است که با آلمان یکی شد و به همین جهت ملاحظه می شود که گاه نیز آلمان

(آلمان) نوشته شده است.

مواحدت را فیما بین دولتین بهتین ایران و نمسا بدهم در هنگام وزارت و از سعی شما و توقع من آن است که شما به زودی مرا باریاب حضور امپراطور نماید و در این، دوستی خود را دریغ نخواهید داشت و تعیین روز باریاب شدن را نماید.

پاسخ پرنس مترنیخ:

تقریر جناب ایلچی بزرگ محتوی به تعبیر دوستی و آشتی که از طرف اعلیحضرت شاه ایران به جانب امپراطور ولی النعم کثیرالکرم من در کار است باعث حظ و انحطاط گشت و در عرض رسانیدن جناب ایلچی بزرگ به حضور واجب السرور امپراطور سعی بلیغ خواهم نمود به خاطر خاطر حضرت عالی منقبت شهریار خوب افتادن خواهد که تعبیرات مذکوره را به زبان جناب ایلچی بزرگ اطلاع یابند و به نیت این حال او را به منزل سعادت شمول مشرف کردن خواهند فرمود.

سخنان سفیر ایران هنگام باریابی به حضور امپراطور

این نامه محبت آمیزی ست که از جانب اعلیحضرت شاهنشاه جم جاه ایران و توران و صاحب تخت و تاج کیان به جهت اعلیحضرت امپراطور اعظم آورده ام و میرزا عبدالحسین خان را نامزد این دولت بپیه نمود همراه آورده ام و بنای دوستی را فیما بین دولتین بهتین استوار نموده مرخصی حاصل نمایم.

پاسخ پرنس مترنیخ به نیابت امپراطور به سفیر ایران

قبول براهین شاه ولی النعم شما باعث سرور است بعد مسافت در بین دو مملکت مانع آشنایی و آشتی نیست از قدیم زمان مراودت دوستانه بین دولت ما و دولت ایران در کار بود و این دوستی برتر از زوال و تبار خواهد نمود این سخنهای ما به شاه ولی النعم شما ابلاغ کنید یا ضمیمه این تعبیر که تقریر این دوستی ضمیر به وساطت شما به غایت خوب افتاد.

نطق سفیر ایران در برابر امپراطریس

این نامه محبت آمیز آن است که از جانب بانوی حریم اعلیحضرت شاهنشاه جم جاه ایران به جهت بانوی اعلیحضرت امپراطور اعظم آورده ام و از جانب حریم محترم اشارت شد که به حضور شما عرض کنم که انشاءالله به دستگیری شما دوستی فیما بین دولتین بهتین به مثل سابق بشود و گاه و بگاه دوستانه را [=دوستان را] با رقم فرمایش که باشد اشاره فرماید.

پاسخ پرنس مترنیخ به نیابت امپراطریس

از تسلیم نامه دوستانه ممنون و محظوظ می گشتم از برای آن که در او فیض آثار دوستی کردار که شاه ایران به جهت امپراطور الامان زوج سعد اقتران من می پرورد هوسدا و

reiche und Persien, und dasselbe sene ich als erneuert voer jede Zerstörung an. Melden Sie dem Schah diese meine Worte, nebst der Versicherung, dass es mir angenehm war, dessen freundschaftliche Gesinnung durch Sie zu empfangen.

قبول تهنیتین شاه ولی البتہ بشا باعث سرور است چند مراتب سر بین در محاکمات متابع
اشناهی و آشتی نیست از قدیم زمان تفرقات درستانه بین دولت شما و دولت ایران در کار بود
و این دوستی بهتر از روزگار و تبار خاندان بود این سخنهاي ما بشاه ولی التعم شا ابلاغ کنید
با ضمیمه این تعبیر که تقریر این دوستی به ضمیمه مواظقه شا بقایات خوب التاد

Anrede des Botschafters an Ihre Majestät die Kaiserinn.

این نامه محبت امیر آنت که از جانب بانوی حرم اعظم حضرت فاطمه حبیله ایران
بجهت بانوی اعظم حضرت امپراطور اعظم اردلان و از جانب حرم محترم اشاره داد که محصور شما مرض
کم که انشا الله بدمتیاریه شما دوستی به لیا بین دولتین بهترین مثل سابق بشود و گاه و بگاه
دوستانه را با رقم نمایش که باشد اشاره نمایند

Dieses freundschaftliche Schreiben habe ich von Seite der Gebieterinn des ganzen Harems der Frau S. Maj. des Königs der Könige, des Großmächtigsten Herrn von Iran und Turan für Ihre Maj. die Kaiserin und Frau des größten Kaisers gebracht. Es ist mir von Seite Ihrer Maj. der Gebieterinn des Harems anbefohlen worden, der Gegenwart Euerer Majestät vorzutragen, dass mit Gottes Willen durch Euer Majestät Zuthun die Freundschaft zwischen den beyden Höfen auf dem vorigen alten Fuß hergestellt werde, und dass es Allerhöchst denselben gefallen möge, von Zeit zu Zeit Euerer Majestät Freunde Allerhöchst Ihrer Befehle zu würdigen.

Antwort des Hrn. Fürsten v. Metternich in Namen I. M. der Kaiserinn.

Ich danke Ihnen für die Ueberbringung des mir übergebenen Schreibens. Ich empfangen es mit Vergnügen, indem ich dasselbe als einen Ausfluss der freundschaftlichen Gesinnungen betrachte, welche der Schah gegen den Kaiser, meinem durchlauchtigsten Gemahl hegt.

از تحلیم نامه دوستانه ممنون و حظیرت مستقیم از طرفی آنکه تقریر او عین اظهار دوستی
کرد که شاه ایران بجهت امپراطور الامان روح سعادت ایران و من بخیر و برادر است

نمودار است.

قصیده هایی از فتحعلی خان شاعر دربار فتحعلی شاه قاجار که بر روی برچم و حمایل نشان شیر و خورشید مزین به تمثال شاه نگاشته و برای میرزا ابوالحسن خان سفیر ایران در لندن فرستاده بودند:

قصیده نوشته شده بر روی برچم ایران:
 فتحعلی شه ترک، جمشید گیتی افروز
 چترش به صحن کیهان افکنده ظل اعظم
 ایران کنام شیران خورشید شاه ایران
 فرق سفیر دانا یعنی ابوالحسن خان
 از مهر سوی لندن او را سفیر فرمود
 کشور خدای ایران خورشید عبالم آرا
 کردش به مغز کیوان آکنده مشک سارا
 زان است شیر و خورشید نقش درفش دارا
 بر اطلس فلک شود [ظ. شد] از این درفش خارا
 زان داد فر و نصرت بر خسرو نصارا
 قصیده ای که بر روی حمایل نشان شیر و خورشید مزین به تمثال فتحعلی شاه قاجار نگاشته شده بود:

تبارک الله زاین [ظ. از این] پرده همایون فر
 بلی طرازش از کلک مانی ثانی
 مهین سفیر شهنشاه آسمان درگاه
 ز پای تا سر او غرق گوهر از خسرو
 چو خواست باز کند تارکش قرین با مهر
 درین خجسته بشارت اشارت است بزرگ
 که هست عهدش عهد جانگشا دارا
 که آفتاب بر پرده کش پرده در
 نگار فتحعلی شاه آفتاب افسر
 ابوالحسن خان آن هوشمند دانشور
 سپرد چون ره خدمت به جای پا از سر
 قرانش داد بدین مهر آسمان چاکر
 بر آن سفیر نکو سیرت ستوده سیر
 که هست قولش قول سپهر فر داور
 غزلی از برادرزاده و منشی سفیر ایران، میرزا محمد علی شیرازی متخلص به «پرتو»، در وصف خانم کله متین (Clementin):

شبی چون شب وصل عشق مناصب
 یکی بزم آراسته چون بهشتی
 تهی سینه از کینه دیدم گروهی
 به سر شاخ گل گلرخان در حواشی
 برآمد ز در ناگهان ماهرویی
 نسفته دری اندر آن بزم ندیدم [ظ. دیدم]
 فرشته وش و مه صفت اکلامتین
 زمستی دو چشمش دو آهوی سرخوش
 به کیش نصارا مرا کرد مایل
 شبی چون شب قدر مشکین ذوائب
 پرنس مترتیک دستور راتب
 همه با هم از مهربانی مصاحب
 به کف جام می مهوشان در جوانب
 بلورین بنا گوش و مشکین ذوائب
 که مه بود او، دیگران چون کواکب
 که بهتر بود از مه او صد مراتب
 ز شوخی دوزلفش دو هندوی لاعب
 به دین مسیحا مرا کرد راغب

به مه پیکری نقد دل دادم اکنون
سزاید که عیسی مریم بگوید
وصال تویرا [ظ. تورا] هر کسی هست طالب
به صد حسرت و غم سفر کرد پرتو
ز عشق رخس گشتم از زهد نائب
ز چهارم فلک یا صبی المراحب
چه در کعبه شیخ و چه در دیر راهب
تو در آلمان* باش چون نجم نائب

غزلی دیگر از همین شاعر در وصف خانمی به نام صوفی:

فیروز شبی چه روز خرم
بودند پریرخان نسا
صوفی نام آن فرشته خصلت
گرچه ز پریرخان بسی هست
از همچو تو اتمی سزاید
بر روی تو آن دوزلف پر چم
هستی همه درد را تو درمان
خورشید کسی فروغ دارد
چون تو به جهان نزاده حوا
ای ماه بر رخ تو ناقص
چشم نظری به سوی ما کرد
در جایگه وزیر اعظم
مریم صفات و عیوی دم
از حسن در الامان مسلم
این طایفه را تویی مقدم
نازد به جنان همیشه مریم
گویی طبقی ست از مترغم [ظ.
متی همه زخم از] [ظ. زخم را] تو مرهم
روشن شده از رخ تو عالم
فرزند ندیده چون تو آدم
وی خور بر صورت تو مبهم
چون چشم غزال کاوارقم

سطوری که سفیر ایران میرزا عبدالحسین خان در دفتر یادبود انجمن سلطنتی شرقی
به یادگار نوشته است:

بسم الله تعالی و شأنه العزیز

در بهترین وقتی از اوقات و نیکوترین ساعتی از ساعات هذه السنة بارس ثیل خیریت
دلیل از جانب شاهنشاه جم جاه روحی فداه السلطان ابن السلطان والخالقان ابن الخاقان
فتحعلی شاه قاجار پادشاه ممالک ایران سفارت و رسالت مملکت الامان زوی الاحداث
والاقران حفظ بالامان والامان مأمور گردید بعد از شرف اندوزی بزم خجسته حضور فیض
دستور قیصر معظم و امپراطور اعظم اکرم هر روزه از فیض ملاحظه بناهای خیر قیصری
مستفیض و به ریاب می گردید هر یک ابنة خیر که از راه رأفت و مرحمت و عدالت
به جهت تربیت و آسایش رعایا و برابری برپا شده البته باعث برپا بودن دولت و دوام و ازدیاد
ملک و حشمت خواهد بود چنانچه حکماء گفته اند:

* در این جا شاید بازی با واژه هاست که می تواند منظور کشور «آلمان» باشد یا این که کلمه متین در «امان»

باشد. این توضیح در دفتر داده شده است.

گوشه ای ناشناخته از دوران فتحعلی شاه قاجار

ربیع چه [ظ. جو] بیخ است و سلطان درخت درخت ای برادر به بیخ است سخت
 از آن جمله تربیت خانه ها و بناها یکی این مدرسه بود که ملاحظه شد به جهت آموختن
 زبان اروپا [= اروپا] و عاصیا [= آسیا] جمعی از فصحا مشغول تدریس بودند و به محض ورود
 بنده در کمال فصاحت به زبان فارسی تلفظ نمودند این جانب نظر به عصیت همزبانی
 محظوظ و ملذذ [ظ. متلذذ] گشته شوق نموده که به یادگاری این صحیفه آن مدرسه گذارد.
 میرزا عبدالحسین خان ایلچی دولت علیه ایران مأمور به دولت بهیه الامان تحریر اُفی عشر
 شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۳۴*
 غرض نقشی ست کز ما باز ماند که هستی را نمی بینم بقایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

* برابر با ۱۸۱۸ میلادی. هرجا با علامت * و یا درین [] توضیحی داده شده از نویسنده مقاله است.